



## چالش‌های جهانی شدن و فضای مجازی بر مسائل سیاسی قومیت در جمهوری اسلامی ایران (با تمرکز بر مسائل قومیت در آذربایجان غربی)

سلیمان طائی حسلوئی<sup>۱</sup> - غلامرضا بهروزی لک<sup>۲</sup> - حسین رضائی امینلوئی<sup>۳</sup>

شماره ۴ (۲۷)

سال ۹

زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۰۲

صص: ۱۹-۴۴



### چکیده

این پژوهش به دنبال آن است که آیا جهانی شدن و شبکه مجازی، جنبش‌های سیاسی قومیت، بحران‌های فرهنگی و هویتی را در ایران (جامعه مورد نظر استان آذربایجان غربی) تقویت می‌کند یا اینکه با یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهان، منازعات، هویت‌های محلی و سیاسی قومیت رو به کاهش خواهند گذاشت؟ نوشتار حاضر از نظر هدف کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. فرضیه مقاله این است که جهانی شدن و ظهور فضای شبکه‌ای موجب تسریع فرایند سیاسی شدن هویت، قومیت و پیدایش چالش‌های فرهنگی برای نظام فرهنگی و ارزشی جوامع شده است. همچنین سبب گسسته شدن تمام روابط از بستر اجتماعی و مکانی خود شده و تجربه فرآیند فشردگی فضا و زمان، باعث کوچک شدن پدیدارشناسانه جهان شده است. شکل‌گیری جامعه جهانی شبکه‌ای باعث تضعیف، فرسایش و فروریزی هرگونه حد و مرزی همانند جغرافیا، سیاست و فرهنگ گردیده، به طوری که از پیوند سنتی فرد و جامعه جلوگیری کرده و هویت‌یابی سنتی و مکانی را در قلمرو جهانی دشوار نموده است.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، فضای مجازی، قومیت، مسائل سیاسی قومیت، آذربایجان غربی

DOI: 10.2783.4999/CSIW.2307.1284.4.27.2

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، قم، ایران

farvardin1340@gmail.com

<sup>۲</sup> استاد تمام و عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، قم، ایران behroozlak@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان ارومیه، ارومیه، ایران rezaie\_aminloie@yahoo.com

## مقدمه

در شرایط کنونی با رشد و توسعه فضای مجازی و پدیده جهانی شدن، تحولات سیاسی قومیت و بحران‌های هویتی ابعاد فرامرزی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی به خود گرفته‌اند. انقلاب در عرصه اطلاعات و ارتباطات و از بین رفتن فواصل جغرافیایی، ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و نیز شناخت مردم نسبت به هویت‌های فردی و اجتماعی خود، امکان درک بهتر مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ظلم‌ها و تبعیض‌های موجود در روابط بین اقوام، افزایش سطح انتظارات و تقاضاها، همچنین امکان برقراری روابط فرامرزی با اقوام و گروه‌های هم‌ریشه و هم‌تبار، ایجاب می‌کند عنصر جهانی شدن و توسعه فضای مجازی بر بحران‌های سیاسی قومیت و مسائل هویتی تبیین شوند.

تنش‌ها، خاص‌گرایی‌های فرهنگی، واکنش‌هایی به کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های نظام اجتماعی مدرن هستند. بخشی از این کاستی‌ها در تداوم و تشدید نابرابری‌ها و تبعیض‌های گوناگون در دهه‌های پایانی سده بیستم نمود می‌یابند و از منطق انباشت سرمایه ناشی می‌شوند و بخش دیگری از نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها نیز از ذات خود تجدید ناشی می‌شوند. به هر حال خاص‌گرایی‌های فرهنگی در انواع گوناگونش چیزی جز مبارزه با انواع مختلف کاستی‌ها، تناقضات موجود و تلاش برای ایجاد یک نظام و سازمان اجتماعی فارغ از آن‌ها به شمار نمی‌آیند (والرشتاین ۱، ۱۹۹۱: ۱۶۶).

پدیده قوم‌گرایی برای برخی کشورها، چالش‌های متعددی در برداشته و در ایران نیز وقوع سطوح زمانی متفاوتی از منازعات سیاسی قومیت به‌ویژه در استان آذربایجان غربی، آثار و عواقب زیان‌باری را بر این منطقه و نیز بر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دو قوم کُرد و ترک و همین‌طور دیگر هویت‌ها و تعلقات اجتماعی وارد نموده است. هرچند که بر علائق دو قوم کُرد و ترک استان، حفظ هویت ملی و حراست از تمامیت ارضی حاکم است؛ اما در مقابل، از آنجا که از گذشته تاکنون

۱ Wallerstein

کم‌وبیش زمینه‌های واگرایی نیز وجود داشته، لذا حساسیت ایجاب می‌کند که به لحاظ نظری و عملی به درک بهتری از چرایی بروز تحولات سیاسی قومیت نائل آییم. از این منظر بررسی علل و زمینه‌های بروز تحولات قومی استان آذربایجان غربی و شناخت هر چه بهتر اوضاع و احوال حاکم بر اجتماعات قومی این استان و درک و دریافت واقع‌بینانه تر علل این تحولات، نیازمند چهارچوب نظری غنی و کامل تری است تا بتواند از زوایای گوناگونی به این مسأله پرداخته و وضعیت قومی در استان را تبیین کند. آنجا که هدف اصلی این مقاله بررسی متأملانه وضعیت قومی در بستر جهانی شدن و فضای مجازی می‌باشد استان آذربایجان غربی به‌عنوان مطالعه موردی است و در واقع علل و عناصری را در کانون توجه خود قرار داده که در گذشته ایفاگر نقش بودند و بیشتر می‌توانستند وضعیت قومی در سطح استان و بحران‌های سیاسی قومیت و مسائل هویتی را تبیین نمایند.

روش پژوهش ترکیبی از توصیف نظریه‌ها و رویکردها و تحلیل محتوای مقایسه‌ای آن‌ها می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات متناسب با اکثر پژوهش‌های قومیتی، روش کتابخانه‌ای است.

آنچه مشخص است هیچ تنوعی در ذات خودش مذموم نیست و در مقابل، هیچ یکدستی‌ای ممدوح نمی‌باشد. چراکه در عین حالی که یکدستی و همگونی قومی و هویتی در بطن یک جامعه می‌تواند مزایایی را در برداشته باشد، تنوع و تکثر نیروهای اجتماعی و قومی نیز، این جوامع را از ظرفیت‌ها و استعدادهایی برخوردار می‌سازد که بهره‌گیری مناسب از آن‌ها می‌تواند موتور رشد، توسعه، همگرایی و همسازی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. هدف پژوهش، بررسی موشکافانه زمینه بروز بحران قومی و هویتی با تأکید بر پدیده جهانی شدن و سیطره فضای مجازی به تمام ابعاد زندگی اجتماعی و حتی خصوصی افراد جامعه مورد نظر و ایجاد بحران هویت در بین کنشگران اجتماعی می‌باشد. با ورود به هزاره سوم آنچه بیش از پیش بر اهمیت و حساسیت تحولات سیاسی قومیت و بحران‌های هویتی افزوده و به آن‌ها ابعاد فرامرزی، منطقه‌ای و

حتی بین‌المللی بخشیده، در واقع متأثر از عوامل و عناصری است که در گذشته کمتر نقش ایفاء کرده‌اند.

### ۱- مسائل تاریخی و سیاسی قومیت در آذربایجان غربی

تنوع قومی، هویتی، دینی و مذهبی استان آذربایجان غربی به نحوی است که وجه تسمیه «رنگین کمان ادیان و اقوام» بر ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی غیرقابل انکار خیر می‌دهد. حضور و زندگی ادیان، اقوام و مذاهب مختلف در جوار همدیگر بیانگر تنوع فرهنگی و قومی جامعه آذربایجان غربی است. در واقع الگوی فرهنگی و قومی جامعه مذکور همانند فرش چشم‌نواز و نفیس ایرانی است که از رنگ‌ها و طرح‌های متمایز و متنوعی بهره برده و بافته شده است؛ الگویی متشکل از گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی، نژادی و فرهنگی را به معرض نمایش می‌گذارد تا جایی که به جرئت می‌توان ادعا کرد این تنوع و رنگارنگی خصیصه بنیادی استان است.

داده‌های مختلف و شواهد گوناگون نشان می‌دهند که علاوه بر به وجود آمدن عام‌گرایی ناشی از جهانی‌شدن و ذوب شدن در فرهنگ جهانی و چشم‌پوشی و عدم تبعیت از فرهنگ و نظام ارزشی اجتماعی، ملی و هویت‌های قومی و محلی در بسیاری از ابعاد، خاص‌گرایی‌ها و تنش‌های هویتی و سیاسی قومیت ناشی از آن نیز در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم گسترده‌تر و بیشتر شده‌اند. هرچند گسترش و افزایش خاص‌گرایی‌ها، تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، تنش‌ها و ستیزه‌های سیاسی قومیت به خودی خود مسئله‌ای مهم است، اما توجه به این مسأله هنگامی اهمیت بیشتر می‌یابد که به هم‌زمان بودن آن با فرآیند «کوچک‌تر شدن جهان» به واسطه تحول و پیشرفت شگفتی‌آور فناوری‌های ارتباطی و حمل‌ونقل توجه کنیم.

#### ۱-۱- موقعیت جغرافیایی و تاریخی استان

آذربایجان غربی از طرف شمال و شمال شرق با جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان و از طرف غرب با کشورهای ترکیه و عراق همسایه است. در منطقه خاورمیانه، چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه به دلیل داشتن جمعیت درخور توجهی از قومیت‌ها،

نژادها و فرهنگ‌های گوناگون، در طی سال‌های گذشته شاهد برخوردهای بسیاری میان اقوام با همدیگر و حتی با حکومت‌های مرکزی کشورهای مذکور بوده‌اند. همچنین، احزاب سیاسی و تشکل‌هایی در این کشورها شکل گرفته‌اند و فعالیت می‌کنند که بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی و شرایط بین‌المللی، با طرح دیدگاه‌های استقلال‌طلبانه، گاه به مبارزه مسلحانه متوسل شده‌اند. مهاجرت و متعاقباً برهم خوردن ترکیب جمعیتی، تنش‌های مذهبی و سیاسی، دخالت کشورهای خارجی و تضاد منافع آن‌ها، قدمت کهن تاریخی، منابع سرشار خدادادی و اتخاذ و اجرای سیاست‌های استعماری و زیاده‌خواهانه باعث شده است که این منطقه همواره یکی از کانون‌های تنش، بحران و منازعه در بین هویت‌های جمعی و قومیت‌ها باشد.

حافظه تاریخی این منطقه هنوز ایام و روزهای سخت و خونین دوران شیخ عییدالله شمزینانی، رویدادهای جیلوها و آرامنه و کم شدن کشت و زرع و همین‌طور جریان آدم‌خواری، دست‌اندازی مامش‌ها به منطقه، تهاجم اسماعیل آقا سیمیتکو، مهاجرت و بدبختی‌های مردم منطقه، جنگ ایل منگور معروف به جنگ ملا خلیل، رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ و حوادث بعد از آن و نیز جنگ ۱۳۵۸ در نقده و تهاجم همسایگان اطراف، رویدادهای شکل‌گیری احزاب دموکرات و کومله در منطقه، ستیز و درگیری با بارزانی‌ها و نیز حوادث تلخ و خونین آن زمان را فراموش نکرده و بی‌خانمانی و مهاجرت‌های اجباری و تحمیل صدمات جبران‌ناپذیر مادی و معنوی این خطه را به یاد دارد. به همین خاطر در بررسی تحولات سیاسی معاصر آذربایجان غربی مشخص می‌شود که مسأله هویت‌های جمعی و سیاسی قومیت به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های مستعد منطقه مورد نظر، همواره یک پای ثابت مناقشات، منازعات، جنگ‌ها، کشاکش‌ها و تنش‌ها بوده و سهم بسیار عمده‌ای در ناامن کردن منطقه داشته است.

## ۲-۱- چالش‌های سیاسی قومیت در استان

در طول تاریخ هر یک از قومیت‌ها، هویت‌ها و فرهنگ‌ها به سهم خود در نضج، دوام و استمرار حیات تاریخی سیاسی استان آذربایجان غربی شرکت داشته و به‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان، توانسته‌اند به طرق مختلف حیات سیاسی و تاریخی این جامعه را

پاس بدارند. اگر همنوایی، همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرانه را به‌عنوان قاعده‌ای کلی بر مناسبات و روابط حاکم بر تاریخ حیات استان آذربایجان غربی بپذیریم، در کنار این قاعده، برهه‌هایی نیز وجود داشته که بر این روابط، سطوح مختلفی از تنش، منازعه و بحران سیاسی بروز پیدا کرده است. در گذشته تاریخی و بزنگاه‌های حساس سیاسی و اجتماعی، گاهی زوال عقل به جای تعقل و منطق حاکم شده و آشوب، ناامنی، نابسامانی و هرج و مرج اجتماعی، سیاسی ایجاد کرده و به تبع آن، کنشگران اجتماعی نظام‌های ارزشی و چهارچوب‌های فرهنگی به‌جای تعامل مسالمت‌آمیز و عقلانی با همدیگر، کنش‌ها و تعاملات غیر مسالمت‌آمیز و گاه خشن از خود نشان داده‌اند. به‌طوری که هر نوع روزنه امید برای زندگی دموکراتیک و مدنی را به محاق برده است. این مسأله کماکان با وجود ترقی در ارتباطات و پیشرفت تکنولوژیک، خود را به انحاء مختلف نشان می‌دهد. ستیزه‌ها و تنش‌های سیاسی قومی، فرهنگی و هویتی در این منطقه مسأله‌ای دیرینه است و از دیرباز این منطقه با آن دست به‌گریبان می‌باشد.

توجه به دلائل وقوع چنان حوادث و وقایعی در گذشته با تکیه بر خاصیت زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای که مبتنی بر غلبه بر دیگری، سلطه، فتح و شکست، جنگ و خونریزی بود، چنان وقایع و رویدادهایی را در بطن آن نظام فرهنگی و گفتمان مسلط جامعه، توجیه‌پذیر می‌ساخت؛ اما تنش‌ها و حرکات اخیر، اعمال وندالیستی و مخرب هر نوع مدنیت، مسامحه و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه، فرافکنی دلائل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی شهری بر همدیگر به انحاء مختلف از جانب هویت‌ها و قومیت‌ها به غیر خودی‌های فرهنگی و قومی، شدت گرفتن قضاوت‌ها و تصورات ارزشی و قالبی نسبت به هویت، فرهنگ و قومیت دیگری در جامعه، تصور ایجاد مدینه فاضله از طریق حذف و یا کم‌رنگ کردن نقش هویت و قومیت دیگر در جامعه و دستیابی به اجتماع ناب و خالص قومی، هویتی و فرهنگی به‌عنوان راه‌حل مناسبی برای فائق آمدن بر مصائب و مشکلات موجود در جامعه، شورانگیزی و معنایابی با توسل به گذشته بسیار دور سیاسی، فرهنگی و هویتی به انحاء مختلف که صرفاً مختص گروه خاصی در جامعه می‌باشد و

قومیت‌ها و هویت‌های دیگر در تولید و بازتولید آن هیچ نقشی ندارند، مسأله‌ای جدید است که باید مورد توجه واقع گردد.

تأکید بر عناصر فرهنگی انعطاف‌ناپذیر و تعابیر و تفاسیر هویتی و فرهنگی کاملاً غبارآلود، تحریف گذشته تاریخی هویت به‌مثابه نوعی برساخت اجتماعی و نادیده گرفتن هویت، قومیت و نظام فرهنگی به مانند پدیده‌ای همیشه در حال شدن، شناختن و آگاه شدن از وجود افرادی از یک نژاد، از یک فرهنگ و زبان و تلاش برای جستجوی نکات بسیار نزدیک و نزدیک‌تر بین خود و آن‌هایی که کیلومترها دور از همدیگر زیسته و هیچ‌گاه تجربه همزیستی و زندگی مشترک در جغرافیای معینی را نداشتند حال این که تنها مورد مشترک بین این افراد، هم‌نژادی است، مسأله‌ای قابل توجه است که نیاز به تبیین دارد؛ اما علت این همه چالش و تغییر بنیادینی که نظام اجتماعی و فرهنگی این استان علی‌رغم رونق مادی، ترقی و پیشرفت روزافزون تکنولوژی و فن‌آوری و سواد که در سطح جامعه به وقوع پیوسته و با رشد آگاهی و سطح تحصیلات، در بین لایه‌ها و اقشار گوناگون جامعه آن‌ها را تجربه می‌کند، چه می‌تواند باشد؟

## ۲- جهانی شدن و تحولات سیاسی قومیت

اگرچه مسائل سیاسی قومیت و خاص‌گرایی‌های فرهنگی و هویتی، تنش‌ها و ستیزه‌های آن‌ها و رابطه آن با جهانی شدن بحث نسبتاً جدیدی است، اما امروزه آثار پر شمار و گوناگونی به زبان‌های غربی از جمله انگلیسی وجود دارد؛ ولی در زبان فارسی منابعی اندک و پراکنده درباره مسائل سیاسی قومیت، تنش‌ها و ستیزه‌های هویتی، قومی و خاص‌گرایی فرهنگی در بستر جهانی شدن وجود دارد. در این منابع، از بنیادگرایی دینی، رشد هویت‌های قومی، چالش‌ها و تنش‌های برآمده از آن، جنبش‌های استقلال‌طلبانه و جدایی‌خواهانه بحث شده است. ولی خاص‌گرایی فرهنگی به معنای عام کلمه و پرداختن به تنش‌ها و ستیزه‌های سیاسی قومیت در بستر جهانی شدن موضوع بحث مستقل هیچ‌کدام از این دسته منابع نمی‌باشد و آثار مربوط به این موضوع نیز، بیشتر از موضعی ارزشی و ایدئولوژیک، برخوردار هستند.

در چنین دیدگاهی، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و تنش‌های ناشی از آن، پدیده‌های مثبت و نوعی مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی قلمداد می‌شود و یا این‌که خاص‌گرایی‌های فرهنگی مغایر با ایدئولوژی مسلط و رسمی، نتیجه توطئه دشمنان و تلاش برای از بین بردن هویت فرهنگی و سنن رایج نظام اجتماعی معین به شمار می‌آید. به همین دلیل در این بخش آثار از جهانی کردن سخن گفته می‌شود، نه از جهانی شدن. به طوری که انگیزه و هدف این طرح جهانی، مسلط کردن فرهنگ غرب بر جهان از طریق ادغام، تضعیف و ویران کردن فرهنگ‌های دیگر است. در این ارتباط حتی برخی نویسندگان گام فراتر نهاده، جهانی شدن را با آمریکایی ساختن فرهنگ جهان یکسان گرفته‌اند.

البته آثار اندکی هم هستند که هر چند از منظر طرح و یا توطئه، پدیده جهانی شدن را بررسی نمی‌کنند؛ بلکه فقط به کلیات و یا جنبه‌هایی خاص از این پدیده نگاه شده است. در شماری از این گونه آثار، جهانی شدن همچون فرآیندی مبتنی بر یک رشته تحولات ساختاری بسیار گسترده در حوزه‌های مختلف قلمداد می‌شود که همه فرهنگ‌های محلی، ملی و فراملی را تحت تأثیر قرار داده و به چالش می‌طلبد. در ارتباط با جهانی شدن شمار دیگری از آثار هم جنبه‌ها و مصادیق عینی‌تر آن را مورد بررسی قرار می‌دهند و از انفجار اطلاعات، نهادهای اقتصادی جهانی و ارتباطات بسیار پیشرفته و گسترده سخن می‌گویند. لازم به ذکر است که در این ارتباط آثاری هم وجود دارند که محتوای آن‌ها با دیده منفی به پدیده جهانی شدن و پیامدهای آن می‌نگرند و کل فرآیند جهانی شدن را نوعی تهاجم فرهنگی دانسته و در آن‌ها لزوم مقابله با آن مورد تأکید قرار می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵).

نکته دیگر این است که در منابع مورد نظر، اغلب برای توصیف تاریخی تلاش شده است تا تحلیل و تبیین خاص‌گرایی‌ها و آشفتگی‌های حاصل از آن با دلایلی خاص صورت گیرد. حال این‌که در این تحقیق، خاص‌گرایی‌های فرهنگی به معنای عام کلمه موضوع بحث مستقل می‌باشد؛ به عبارت دیگر، نه تنها خاص‌گرایی‌ها و کشاکش‌های هویتی و فرهنگی در آذربایجان غربی مربوط به جهانی شدن و بی‌خاصیت شدن مکان و



فضا در هویت‌یابی افراد می‌باشد؛ بلکه دیگر کشاکش‌ها و ستیزه‌هایی از همین سنخ و پیدایش خاص‌گرایی‌ها در نقاط دیگر را نیز بر این اساس می‌توان تبیین کرد.

جهانی‌شدن به‌واسطه عوامل و سازوکارهایی از جمله پیدایش و ترقی روزافزون جامعه مجازی، نوعی بحران هویت و معنا در جوامع مختلف جهان پدید می‌آورد؛ بنابراین افراد و اقشار گوناگون برای حل این بحران به روش‌ها و راهکارهایی متوسل می‌شوند و انواع و اشکال متنوع خاص‌گرایی‌های فرهنگی نمونه‌ای از آن‌ها است. هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هر گونه زندگی اجتماعی است. اگر محور و مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت اجتماعی چنین امکانی را فراهم می‌کند (جنکینز، ۱۹۹۶: ۶).

فرآیند جهانی‌شدن، همان‌گونه که فضا و مکان به مثابه عامل هویت بخش را از میان برداشت، زمان را نیز به مثابه تداوم از بین برد. تحت تأثیر این فرآیند، زمان چنان فشرده می‌شود که دیگر نمی‌تواند در خدمت هویت‌هایی خاص قرار گیرد. این فشردگی و تحول پدیدارشناسانه، زمان را از مقوله‌ای خطی و کرونولوژیک به حال بی‌پایان تبدیل کرده و در این صورت نوعی دنیای لحظه‌ای پدید می‌آید. در چنین دنیایی نه فضا و مکان می‌تواند نیاز به متمایز بودن و تداوم داشتن را تأمین کند و نه زمان می‌تواند از عهده این کار برآید (سیلورمن، ۱۹۹۹: ۵۰).

فرآیند جهانی‌شدن با نفوذپذیر کردن مرزها و رها کردن امر اجتماعی از بستر مکانی، مسئولیت هویت‌سازی را بر عهده فردی گذاشته است که تحت تأثیر فضای مجازی قرار دارد. به این دلیل در دوران معاصر، معمای هویت بیش از هر عصری آدمی را به خود مشغول داشته است (تاجیک، ۱۶۰: ۱۳۷۹). به همین خاطر در دوره تجدد، ضمن شکاکیت نسبت به عقل مآل‌اندیش، باید این را هم پذیرفت که علم و تکنولوژی حکم شمشیر دو لبه را دارد و در همان حال که پارامترهای تازه‌ای در زمینه خطر کردن و خطرآفرینی پدید می‌آورند، امکانات سودمندی هم به بشریت تقدیم می‌دارند.

بنابراین دیگر هیچ کس قادر نیست خود را به‌طور کامل از درگیر شدن با خطرهای همه‌گیر و پراهمیت و از نتایج زیستن در چنین دنیایی برکنار نگاه دارد. با این حال، البته شیوه‌های زندگی و بخش‌های اجتماعی مربوط به شیوه زندگی را می‌توان چنان ترتیب داد که یافتن و پیمودن راهی در میان امکانات مختلف دنیایی که ساخته و پرداخته تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نظام‌های مجرد و فضای مجازی هستند، ممکن باشد. اما برخی دیگر ممکن است شیوه زندگی خود را چنان اختیار کنند که آنان را به‌سوی مراجع و مآخذ سنتی‌تر سوق دهد. برای مثال بنیادگرایی قومی و مذهبی در عصری که هیچ‌گونه تصمیم‌گیری‌های قاطع و نهایی را جایز نمی‌داند پاسخ‌هایی قاطع و بی‌چون و چرا برای «چه باید کرد»های زندگی روزمره ارائه می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

به قول «برتران بدی»، جهانی شدن سرسپردگی‌های مدنی و ملی را از میان می‌برد، ولی خود از روابطی فراملی مایه می‌گیرد. این روابط زمینه‌ساز همبستگی‌های گوناگونی هستند که حامل هویت‌های جانشین هستند. این چنین است که نیروهای معترض (یعنی هویت‌های جدید) علیه این نظم جدید جهانی که قادر به تسلط بر چم و خم آن نیستند می‌شورند و حس ناکامی و رنجش نیز دست به دست آن‌ها می‌دهد تا ارواح گذشته را در برابر این حرکت برگشت‌ناپذیر احضار کنند. در نتیجه به یمن این شورش هموارکننده و تعادل‌بخش، پدیده معکوس بازگشت به قبیله رخ می‌نماید. بدین‌سان جهانی شدن و نفوذ فضای مجازی در لایه‌های متعدد زندگی اجتماعی، به‌جای نزدیک کردن ملل، اقوام و هویت‌ها، غالباً در کشورهای جنوب تأثیری معکوس به‌جا می‌گذارد و واکنش‌های هویت‌طلبانه را تشدید می‌کند (شایگان، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

به بیان کوتاه‌تر فرآیند جهانی شدن از طریق بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر ساختن مرزها و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی، منابع و شرایط لازم برای هویت‌سازی و معنایابی سنتی را تا حدود بسیار زیادی از بین می‌برد. در نتیجه نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آید و بازسازی هویت‌گریزناپذیر می‌شود. برخی افراد چیره شدن بر بحران را صرفاً در گرو توسل به منابع و شیوه‌های سنتی هویت‌سازی می‌دانند و بدین ترتیب بستر اجتماعی مناسبی برای اشکال متعدد خاص‌گرایی‌های فرهنگی و تنش‌های قومی و

بحران‌های هویتی فراهم می‌شود که ویژگی‌ها و عناصر ایدئولوژیکی آن، بازتاب نیازهای روانی این‌گونه افراد هستند. تجدید سازمان سرمایه‌داری، تمرکز رسانه‌های جمعی و گروهی، روند تازه جهانی‌شدن سرمایه و ارتباطات و فن‌آوری‌های اطلاع‌رسانی موجب ظهور انواع جدید نظام‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی و زوال بی‌سابقه مفاهیم اقتدار یا مرجعیت فرهنگی و برافتادن پایگان و سلسله‌مراتب فرهنگی و مجموعه وقفه‌هایی است که در الگوهای خطی و یک‌جهته توسعه روی داده است، شاخص‌هایی که عموماً جامعه مدرن را به یاد می‌آورند (کروک، ۱۹۹۲: ۲۱۵-۱۹۵).

فرآیند جهانی‌شدن با دگرگون کردن شرایط و چارچوب سنتی، هویت‌سازی را با قرار دادن در بستر فضای مجازی در جهان کنونی دشوار یا به اصطلاح مشکل‌ساز می‌کند. این وضع دشوار و مشکل‌ساز بستر بسیاری از تنش‌های قومی و ستیزه‌های هویتی به‌مثابه نوع بارز و مهم خاص‌گرایی فرهنگی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۷).

گیدنز به زیبایی مطرح می‌کند که پیوند تنگاتنگ فضا و زمان با مکان در جامعه سنتی، گستره روابط اجتماعی را بسیار تنگ و محدود می‌کرد و زمینه‌ساز واحدهای اجتماعی کوچک‌تری مانند منطقه، محله و ایل بود (گیدنز، ۱۹۹۱: ۱۶). وی معتقد است که یکی از تفاوت‌های بارز دنیای متجدد نسبت به تمام دوره‌های پیشین زندگی اجتماعی، پویایی و تحرک بی‌سابقه آن است.

پویایی و تحرک خارق‌العاده زندگی اجتماعی امروزی را او این‌گونه توضیح می‌دهد که سه عنصر اصلی یا سه دسته عناصر اصلی در این زمینه دخیل هستند: نخست چیزی است که وی آن را «جدایی زمان و فضا» می‌نامد. البته همه انواع فرهنگ‌ها، روش‌های زمان‌بندی و شیوه‌های مکان‌گزینی خاص خود را دارند. جامعه‌ای وجود ندارد که اعضای آن استنباطی از آینده، حال و گذشته نداشته باشند.

هر نوع فرهنگی دارای شاخص‌های فضایی معینی است که آگاهی آن فرهنگ نسبت به مکان را می‌رساند. با این حال در سکونت‌گاه‌های جوامع ماقبل مدرن، زمان و فضا از خلال موقعیت‌پذیری مکان با یکدیگر ارتباط می‌یافت. تهی‌سازی زمان و فضا یا به عبارتی جداسازی زمان از فضا فراهم آورنده پایه‌های حقیقی ترکیب مجدد آن‌ها به

طریقی است که فعالیت‌های اجتماعی را بدون ارجاع به ویژگی‌های محل هماهنگ می‌سازد. لذا تجربه باواسطه در عصر جدید، ورود سرزده رویدادهای دوردست در دنیای ذهنی و فکری مردم می‌باشد. این مهمان‌های ناخوانده معمولاً به صورت آگاهی از وقایع دوردست در ضمیر افراد جای می‌گیرند. تهی سازی زمان و فضا، فرآیندهایی را به جریان انداخته است که در مجموع دنیای واحدی را برقرار می‌سازند، دنیایی که هیچ چیز آن قبلاً وجود نداشته است (گیلدنز، ۴۹: ۱۳۸۵). در نمودار ذیل زمینه‌های بحران‌های قومی در قرن ۲۱ بیان شده است.

نمودار ۱. عوامل و زمینه‌های جدید بروز بحران‌های قومی و ستیزه‌های هویتی در آستانه قرن بیست و یکم



### ۳- اثرات جهانی شدن و فضای مجازی بر مسائل سیاسی قومیت در استان آذربایجان غربی

در دهه‌های اخیر بسیاری از جوامع جهان شاهد رشد و گسترش خاص‌گرایی‌های فرهنگی گوناگونی بوده‌اند. از آنجا که این خاص‌گرایی‌ها نمودهایی گوناگون دارد، بنابراین متغیرهایی مختلف در این پدیده دخیل هستند. مرور آثار پرشمار مربوط به گرایش‌ها و جنبش‌های مختلف قومی، دینی و جنسیتی حکایت از آن دارد که پژوهش‌گران برای تبیین این‌گونه پدیده‌ها به متغیرهایی، مانند استعمار، امپریالیسم، مداخلات خارجی، تبعیض، تمرکز، نابرابری و نخبگان سیاسی متوسل می‌شوند. اگرچه تک‌تک این عوامل و متغیرها در شکل‌گیری و گسترش انواع گوناگونی از خاص‌گرایی‌های فرهنگی و سیاسی مؤثر بوده و هستند، خاص‌گرایی فرهنگی به معنای عام و کلی آن همچون پدیده‌ای فراگیر و جهانی را می‌توان با این متغیرها به‌خوبی توصیف و تبیین کرد. به بیان روشن‌تر، اگر بتوان همسانی‌هایی در یک دسته‌گرایش‌ها و رفتارهای جمعی مبتنی بر انواع عناصر هویت‌بخش فرهنگی شناسایی کرد و چنین پدیده‌هایی را نمودهای گوناگون خاص‌گرایی فرهنگی نامید، باید بتوان متغیر یا متغیرهای مشترکی را هم در آن پدیده‌ها یافت (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰).

ادعا این است که متغیر مورد نظر، همان فرآیند جهانی شدن و فضای مجازی می‌باشد و این‌بار عامل جهانی شدن و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن باعث چنین آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها شده است نه عوامل مربوط به زیستن در بطن جامعه قبیله‌ای و عشیره‌ای که وقوع حوادث خشونت‌بار و ستیزآمیز را در گذشته موجب می‌شد و می‌توانست پیدایش آن‌ها را توجیه‌پذیر سازد.

جهانی شدن موجب تسریع فرآیند سیاسی شدن هویت، قومیت و پیدایش چالش‌های فرهنگی برای نظام فرهنگی و ارزشی جامعه این استان شده است. آنچه که در این پژوهش به‌عنوان دلیل خاص‌گرایی‌ها و بحران‌های فرهنگی و سیاسی قومیت و چالش‌های هویتی مورد تأکید است، مربوط به معنا و هویت به‌مثابه یکی از نیازهای روانی و اساسی انسانی و لازمه هرگونه زندگی اجتماعی می‌باشد که بر اثر جهانی شدن،

شرایط و چهارچوب سنتی هویت‌سازی دگرگون گشته و امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان رها شده و در فضای بسیار فراخ گسترش یافته که این امر باعث پیدایش پدیده سرزمین‌زدایی<sup>۱</sup>، محل‌زدایی<sup>۲</sup>، جابه‌جایی<sup>۳</sup> گردیده است (تاملینسون، ۱۹۹۹: ۱۰۶).

این وضعیت پیامد مستقیم فرآیند جهانی شدن و ترقی فضای مجازی می‌باشد. افزایش ارتباطات مجازی و سیطره آن بر تمام لایه‌های اجتماعی و تسهیل امکانات برقراری روابط و مناسبات فرامکانی با فرهنگ‌ها و مکان‌های دیگر، هویت را به امری حاضر و آماده و از پیش موجود بدل می‌کند که باید مصرف شود. هویت از پیش ساخته و پرداخته شده، دیگر به هیچ عنوان مثل سابق از بطن زندگی اجتماعی درون گروهی با عاملان اجتماعی که توسط مؤلفه‌هایی ما بین آن‌ها تعلقاتی شکل گرفته بود، نشأت نمی‌گیرد.

روابط و مناسبات سنتی در بین عاملان اجتماعی این استان که در سابق به خاطر ماهیت مکان‌مند بودن تمام مناسبات و روابط دارای کارکرد هویت‌آفرین بود، پیوند ذاتی مکان، زمان و فضا در تمام مناسبات اجتماعی و سیاسی کنشگران در زندگی روزمره، پاسخ‌گویی به نیاز روانی و اساسی عاملان اجتماعی و سیاسی به مرزبندی و تمایز ما بین خود و دیگری را مرتفع می‌کرد. چنین روابط و مناسباتی در چهارچوب سنتی در بین عاملان و کنشگران اجتماعی و سیاسی استان، موجب انسجام اجتماعی و یکپارچگی جمعی در طول تاریخ حیات اجتماعی این استان گردیده بود؛ اما فضای مجازی و جهانی شدن، اعضاء متعلق به قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون اجتماعی را از مکان مشخص برکنده و آن‌ها را سوار بر موج رسانه‌ها و فضای مجازی نموده و در یک نقطه معین، آن‌ها را با فرهنگ‌های دیگر مواجه می‌کند. این مواجهه، برخوردی ساده و سهل نیست. بلکه، برخورد و تلاقی فرهنگ‌های گوناگون با فلسفه وجودی متفاوت و نوع معرفت‌شناسی و جهان‌بینی از بیخ و بن متمایزی می‌باشد. در نتیجه این التقاط به جای

۱ Deterritorialization

۲ Delocalization

۳ Dis-placement

همگرایی بین جهان‌بینی‌ها و معرفت‌شناسی‌ها، موجب واگرایی در فهم و درک متقابل می‌گردد.

نیاز آدمی به ثبات و استمرار و نیز نیاز انسان به قطعیت و یقین و اجتناب از نسبیّت و عدم تعین، او را وادار می‌کند برای گریز از چنین نابسامانی و آشفته‌حالی به دنبال مأمنی متقن و اعتقادی راسخ و هویتی ثابت و استوار باشد. چنین مأمن و پناهگاه با ثباتی که ساده‌ترین، سهل‌ترین و خاطره‌برانگیزترین پناهگاه و مأمن متقن برای آن‌ها باشد، قومیت و هویت قومی آدمی است که ریشه در درازای حیات بشری دارد. برگشت به چنین پناهگاه و مأمنی از جانب اعضای گروه‌های قومی و هویتی در استان موجب آشفتگی در مناسبات و به محاق رفتن روابط اجتماعی مدنی در بین اعضای گروه قومی و هویتی گذشته است. با این حساب کنشگران و عاملان اجتماعی و سیاسی فارغ از هر عضویت و تعلق هویتی و قومی، برای فائق آمدن بر بحران، به صورت بسیار افراطی و گناه‌بی‌خردانه، از بین مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی آن‌هایی را برمی‌گزینند و به‌عنوان الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند که در موقعیت‌های خاص و در بسترهای ویژه و حساس اجتماعی (در بستر اجتماعی استان آذربایجان غربی و شهرستان نقده با وجود ویژگی‌های خاص هویتی و قومیتی که دارند) عامل ستیز و تنش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان عاملان اجتماعی متعلق به قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون می‌گردد.

بنابراین در یک نگاه دقیق‌تر، دلایل تنش‌ها و چالش‌های سیاسی قومی اخیر در یک دید کلی در استان و در میان اعضای متعلق به دو گروه قومی کُرد و ترک، ترقی و توسعه فن‌آوری‌های ارتباطی و تکنولوژی فضای مجازی در میان تمام اقشار اجتماعی و قدرت یافتن جهانی‌شدن و به دنبال آن، پیدایش هویت‌های مقاومت از جانب دو گروه قومی در برابر جهانی‌شدن، فضای مجازی و پیامدهای آن از جانب کنشگران و عاملان اجتماعی می‌باشد.

جامعه آذربایجان غربی که جامعه مورد مطالعه در این پژوهش می‌باشد، دوران گذار از یک وضعیت سنتی را تجربه می‌کند که بحرانی‌ترین مقطع برای حیات هر جامعه‌ای می‌باشد. سرشت در حال دگرگونی و تحول‌پذیر این استان، فضا و شرایط مساعدتری را

برای بروز بحران‌های گوناگون هویتی، قومی و فرهنگی مهیا می‌سازد. اقتصاد بسته و کشاورزی منطقه، اقتدار سنتی و متمرکز حاکم بر جامعه مورد نظر، حاکمیت نظام ارزشی زمین‌داری و غالب بودن روستائیشینی، تحرک کم اجتماعی و محدودیت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جوامع سنتی، در این اواخر جای خود را به کم شدن آب دریاچه ارومیه و اثرات زیست‌محیطی آن، استقرار جامعه‌ای با تقاضاهای مشارکتی و مطالبات مدنی از سوی شهروندان، اقتدار قانونی، تقاضای رفاه اقتصادی و اجتماعی داده است. نتیجه آن که جامعه در حال گذار استان با اقتصادی کشاورزی و جامعه‌ای در حال توسعه، با دگرگونی ارزش‌ها و دورنماهای متفاوت، با تنش‌ها و بحران‌های بیشتری دست به گریبان است و توانایی چنین جامعه‌ای در مهار بحران در معرض نوسانات فراوان به اما و اگرهای بسیار وابسته است. دور شدن از فضای آرام، ساده و صمیمی و بی‌دغدغه گذشته و حرکت به سوی ناکجاآبادی دور از دسترس و در این میان پا در هوایی، غم‌گرفت، تنش، تغییر مداوم و رشد فزاینده انتظارات، وجود سطح سواد، سطح درآمد و آگاهی از شکاف‌های موجود، برقراری روابط فرامرزی میان اقوام هم‌ریشه و هم‌تبار و عدم توفیق هویت‌های قومی و فرهنگی در ادغام و جذب به ارزش‌های فرهنگی حاکم، به شدت تحت تأثیر تمایلات و تقاضاهای نظام بین‌الملل واقع گردیده و بستر مناسبی برای رادیکالیسم هویت‌خواهی و حرکت‌های تجزیه‌طلبانه برای دستیابی به آینده‌ای اتوپیایی خواهد بود. وضعیت بغرنج‌تر در ارتباط با جامعه استان با توجه به عقیده آل‌وین تافلر در ارتباط با جوامع و با توجه به آنچه که در سطور بالا اشاره شد، این است که جامعه مذکور در اثر انقلاب در زمینه ارتباطات، اطلاعات و توسعه سطح مراودات و مبادلات فرهنگی و ارتباطی فراملی، تجارب تاریخی بشری را اعم از دوران سنتی، مدرن و صنعتی و فرامدرن و فراصنعتی را هم‌زمان تجربه می‌کند (تافلر، ۱۳۸۵: ۹۶)؛ به عبارت دیگر جامعه آذربایجان غربی جامعه‌ای دچار آنومی است و این امر، موجب ظهور رادیکالیسم فرهنگی، قومی و تقویت نیروهای گریز از مرکز گردیده است.

در این مطالعه برخلاف سنتزهای فرهنگی و قومی گذشته و ارتباط آن سنتزها با خاصیت زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای و مطالعاتی که در این راستا انجام پذیرفته و از طرفی



دیگر برخلاف مطالعات ارزشی و ایدئولوژیک صورت گرفته در مورد جهانی شدن و ماهیت آن، دلیل اصلی آشفتگی و کشاکش‌های فرهنگی و قومی و عدم توفیق زندگی مدنی و مسالمت‌آمیز جامعه امروز استان و در یک نگاه کلی جوامع متکثر از نظر قومی و هویتی و فرهنگی، در بحران هویت و معنا جستجو می‌شود که توسط سازوکارهای جهانی شدن و از همه مهم‌تر رخنه تکنولوژی و فن آوری رسانه‌ای متری و فضای مجازی در تمام ابعاد، زوایا و لایه‌های اجتماعی و اثرگذاری بر آن‌ها به وجود آمده است. آنچه که در این مطالعه به عنوان دلیل خاص‌گرایی‌ها و بحران‌های فرهنگی و قومی مورد تأکید است مربوط به معنا و هویت به مثابه یکی از نیازهای روانی و اساسی هرگونه زندگی اجتماعی هست.

بنابراین باید اذعان نمود که مطالعه مذکور برای زدودن بحث خودی و غیرخودی در بین اقوام و هویت‌های فرهنگی و همین‌طور به حاشیه بردن تصورات قالبی و قضاوت‌های ارزشی در بین افراد جامعه استان آذربایجان غربی انجام می‌گیرد. چراکه این افراد دلیل عمده عقب‌ماندگی و عدم توسعه اجتماعی را در حضور اجتماعی افراد قومی و هویت‌های فرهنگی غیرخودی می‌دانند. به طوری که حتی با رجوع به گذشته تاریخی، وجود تنش‌ها و کشاکش‌های فرهنگی و قومی را اجتناب‌ناپذیر دانسته و آن‌ها را با توجه به موارد و مصادیق تاریخی، مشروع و توجیه‌پذیر می‌سازند (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

#### ۴- توسعه شبکه مجازی و تحولات سیاسی قومیت

در آستانه قرن بیست و یکم و دوران فرانوگرایی، گسترش و توسعه تکنولوژی ارتباطی، جوامع مجازی قومی را به وجود آورده است که با دقت زیادتری توان تبیین و تحلیل منازعات قومی را دارند. در این ارتباط «رابرت پارک» و «هربرت بلومر»، دو نظریه‌پرداز از مکتب شیکاگو، رابطه جامعه و رسانه‌های همگانی با موضوع یکپارچگی را با دیدی بدبینانه مورد کنکاش قرار داده و با محور قرار دادن رسانه‌های همگانی در عرصه فن آوری ارتباطات، این رسانه‌ها را مسئول بسیاری از نابسامانی‌های جامعه مدرن از جمله شقاق اجتماعی می‌دانند.

مایکل براون با مشاهده تأثیرات نمایشی رسانه‌های ارتباط جمعی بر بروز بحران‌های سیاسی قومیت، این نقطه نظر را مطرح می‌کند که موفقیت جنبش‌های جدایی طلب قومی در قسمتی از جهان می‌تواند محرک جنبش‌های قومی در دیگر نقاط گردد. میلر<sup>۱</sup> نیز در مقاله‌ای تحت عنوان: «ارائه و نمایاندن خود در زندگی الکترونیکی»<sup>۲</sup> در پی توضیح نحوه ارائه خودهای مجازی در فضای مجازی با استفاده از چارچوب نظریه نمایش گافمن و نظریات وی در باب نحوه ارائه خود در زندگی روزمره است. وی معتقد است ارتباطات الکترونیکی دامنه جدیدی از چارچوب‌های تعامل را با آداب و رسومی مخصوص وضع می‌کند که اگرچه آشکارا از تعاملات دنیای واقعی و با حضور فیزیکی فقیرترند، اما فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در راه ارائه و نمایاندن خود در دنیای کنونی فراهم می‌کنند (میلر، ۱۹۹۵).

وین و کاتز<sup>۳</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان: «اغراق در باب فضای مجازی»؛ گمنامی را سازه‌ای اجتماعی می‌دانند که بر اساس توافق افراد شکل گرفته است. دنیای مجازی در مجموع شاید محاسبه‌ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد و در قیاس با دنیای روزمره خطرات و آسیب‌های زیادی دارد، اما بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است (وین و کاتز، ۳۲۸: ۱۹۹۸). مسأله‌ای که اکثر آسیب‌شناسان شبکه و فضای مجازی بدان پرداخته‌اند مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است.

شری تورکل<sup>۴</sup> درباره رابطه حضور در فضای مجازی و شکل‌گیری خود پست‌مدرن در بین کنشگران فضای مجازی به شرح و بسط نظریه «ظهور خودهای چندگانه» در

۱ Hugh Miller

۲ The Presentation Of Self In The Electronic Life

۳ Wyln And Katz

۴ Hyperbole Over Cyberspace

۵ Sherry Turkle

فضای مجازی می‌پردازد. وی در کتاب: «زندگی بر روی صفحه‌ی نمایش»<sup>۱</sup> در پی پاسخ به این سؤال که چگونه فضای مجازی و رسانه‌ها با تغییر دادن نسبی شرایط زندگی ما خودهای ما را تغییر می‌دهند؟ معتقد است که فضای مجازی در حال سوق دادن ما به فرهنگی پست‌مدرن بر مبنای تمایز و پراکنندگی است. چراکه حضور در فضای مجازی به علت ویژگی‌های خاص آن از جمله امکان گمنامی و حذف نشانه‌های فیزیکی، به خود عاملان اجتماعی و کنشگران اجازه می‌دهد که به آسانی نقش‌های متعدد و متفاوتی را در زمان‌های مختلف و با تنظیمات مختلف دلخواه و مورد پسند خود بازی کنند (تورکل ۱۹۹۶).

استون نیز معتقد است فضای مجازی به‌عنوان رسانه‌ای پرنفوذ در مقایسه با تعامل چهره به چهره فرصت بیشتری را برای دخیل کردن فرآیندهای تفسیر تخیل و آرزوهای طرفین تعامل در گفت‌وگو فراهم می‌آورد.

در مجموع تم اصلی دیدگاه پسامدرنیست‌هایی چون تورکل و استون پیرامون تأثیرات هویتی حضور در فضای مجازی حول این محور شکل گرفته که فضای مجازی فضایی رهایی‌بخش است و به عاملان اجتماعی اجازه رهایی از بدن و بسیاری از محدودیت‌های دیگر از جمله: گذشته و سنت و هویت‌سازی مربوط به آن داده و موجب شکوفایی جنبه‌های مختلف خود که پیش از این قادر به بیان و نمایاندن آن‌ها نبودند، می‌دهد (تورکل، ۱۹۹۶؛ هامان، ۱۹۹۶).

رویکرد دیگر در مورد تأثیرات مشارکت در اجتماعات و فعالیت‌های جمعی مجازی بر هویت عاملان اجتماعی، نظریات هوراد رینگولد<sup>۲</sup> است. وی جوامع مجازی را گردهمایی‌های اجتماعی‌ای می‌داند که در شبکه‌ای با حضور تعداد زیادی از عاملان و کنشگران اجتماعی با یکدیگر که مشغول گفت‌وگو و ارتباط متقابل شدند، ظهور می‌کند. این گفت‌وگوها و تعاملات نیز بالطبع با احساسات انسانی برای شکل دادن به روابطی شخصی در فضای مجازی همراه هستند.

<sup>۱</sup> Life On Screen

<sup>۲</sup>Howard Rheingold

در مجموع می‌توان گفت که پیشرفت رسانه‌ها و شکل‌گیری و توسعه رسانه‌های جدید با گسترش منابع نمادین موجود برای فرآیند خودسازی، سازمان بازتاب دهنده خود را عمیق‌تر و برجسته‌تر کرده، افق‌های زندگی افراد را مدام تغییر داده و آنان را به سوی کشف شکل‌های دیگر زندگی رهنمون می‌سازد.

فراوانی و کثرت اطلاعات، مطالب و مواد رسانه‌ای شده در این وضعیت در مجموع می‌تواند امکان نگاهی دیگر را برای افراد فراهم کرده و آنان را قادر سازد که به‌طور انقلابی درباره همه‌چیز، خودشان، سایرین، شرایط زندگی‌شان، اندیشه‌هایشان و سبک‌های زندگی موجود بیندیشند (تامپسون، ۱۳۷۹: ۲۹۶).

اوژنه معتقد است که توسعه و فراگیر شدن فضای مجازی و ترقی روزافزون جهانی شدن، ارتباط و کنش‌های ارگانیک گفت‌وگو مدار جامعه سنتی، جای خود را به نشانه‌های خاموشی داده‌اند که نیاز به گفت‌وگوی را منتفی می‌کنند. به بیانی دیگر تبدیل به نامکان‌ها، مکان‌های تنهایی، سکوت، گمنامی، از خودبیگانگی و ناپایداری می‌شوند که رابطه ارگانیک با یک جامعه تداوم یافته در گذر زمان را مخدوش می‌کند (اوژنه، ۱۹۹۵: ۹۷).

تأثیر توسعه شبکه مجازی بر تحولات قومی با رویکردهای مختلف در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. رویکردهای موجود نسبت به تأثیر توسعه ارتباطات و ترقی فضای مجازی بر تحولات قومی

رویکرد اول: نگرش خوش بینانه	رویکرد دوم: نگرش بدبینانه	رویکرد سوم: نگرش تلفیقی
کاهش ستیزه‌های قومی، هویتی و فرهنگی	تشدید بومی‌گرایی‌ها و هویت خواهی‌های قومی افراطی	بروز شکاف‌ها و خلأهای فرهنگی
تسهیل دولت-ملت‌سازی و استقرار هویت واحد ملی	شکندگی الگوی دولت-ملت و شکاف در هویت ملی	ظهور ناسیونالیسم قومی در بحران

افزایش همگرایی فرهنگی و در مقابل تشدید واگرایی سیاسی	تعمیق شکافها و شقاق اجتماعی	تعمیق وحدت ملی و همگرایی سیاسی درون جامعه
بازگشت به هویت‌های سرسخت گذشته	حرکت از جامعه به اجتماع	گذر از اجتماع به جامعه
جابه‌جایی بسترهای منازعه از قلمرو جغرافیایی به قلمرو فن‌آوری‌های ارتباطی	تحمیل روابط نابرابر فرهنگی	تفاهم و تساهل میان فرهنگ‌ها و ارزش‌ها
تشکیل جوامع قومی مجازی	پیامدهای منفی تأثیرات نمایشی بر مطالبات قومی	تسریع روند توسعه در مناطق مختلف

با توجه به مباحث مطرح شده، گزاره‌های پژوهش را به شرح زیر می‌توان بازگو نمود:

**اول:** بین رسانه‌ها و فراهم آوردن اطلاعات و ارتباطات خارج از کنترل و کم‌رنگ کردن نقش مرزهای سیاسی دولت‌ها با بروز تنش‌های هویتی و سیاسی قومیت رابطه وجود دارد؛

**دوم:** انقلاب در زمینه تکنولوژی ارتباطاتی و رشد فضای مجازی، علی‌رغم این‌که موجب آگاهی‌های قومی- فرهنگی گردیده، موجب رشد و تقویت نیروهای قومیت‌طلبانه و هویت‌خواهانه هم شده است؛

**سوم:** بین تأثیرات نمایشی رسانه‌های ارتباط جمعی بر بروز بحران‌های هویتی و سیاسی قومیت و ارتباط هست؛

**چهارم:** بین رسانه‌های ارتباط جمعی و سیطره فضای مجازی در لایه‌های زندگی اجتماعی با نابسامانی‌های جامعه مدرن از جمله شقاق اجتماعی رابطه وجود دارد؛

**پنجم:** توسعه و ترقی حضور فضای مجازی در میان اقشار اجتماعی، اجتماع را با مشخصات گروهی و ارتباطات انسانی را با جنبه‌های احساسی، عاطفی‌اش تضعیف کرده است؛

**ششم:** بین میزان و کیفیت بهره‌گیری و استفاده از وسایل ارتباطاتی مجازی با شکل‌گیری هویت سازمانی به جای هویت‌پذیری گروهی و سنتی ارتباط هست؛

**هفتم:** بین مبادله فرهنگ‌ها به‌مثابه کالا در اثر پیشرفت‌های تکنولوژیکی در عرصه ارتباطات و رسانه‌های گروهی با تشدید پیوندهای افراد از لحاظ قومی، محلی و هویتی رابطه وجود دارد؛

**هشتم:** بین توسعه تکنولوژی ارتباطاتی و رشد فضای مجازی با رهاشدگی افراد از هویت‌یابی سنتی و حرکت به سمت هویت‌یابی مجدد ارتباط هست.

#### ۵- مدل مفهومی و نظری عوامل بروز بحران‌های قومی

مدل نظری این مطالعه نشانگر روابط موجود در بین تمام عواملی می‌باشد که به نوعی در تبیین پدیده هویت‌خواهی افراطی و رادیکال و قومیت‌گرایی مبالغه‌آمیز و بیمارگونه، هم در گذشته و هم در هزاره سوم، مؤثر افتاده‌اند. مدل نظری تحقیق در این بخش این‌گونه ترسیم شده است که نشانگر روابط بین متغیر مستقل و وابسته و دیگر متغیرهای تأثیرگذار در بروز تنش‌های هویتی و بحران‌های قومی می‌باشد.

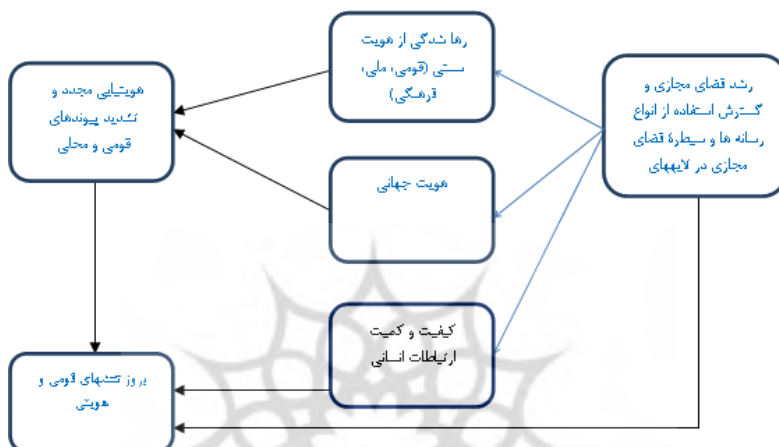
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۱. مدل مفهومی زمینه های اصلی بروز بحران های سیاسی قومیت در دوران معاصر



بر اساس مدل نظری قبلی، مدل تبیینی را به صورت زیر می‌توان تصویر نمود:

نمودار ۲. مدل تبیینی زمینه‌های اصلی بروز تنش‌های سیاسی قومیت



### نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل مبحث جهانی شدن و تسری فضای مجازی در لایه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و همین‌طور توجه به دیگر نهادهای سرمایه‌داری (چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی)، کارکرد آن‌ها منبع و منشأ بیماری‌ها و نابسامانی‌ها و تنگناهای عصر حاضر معرفی می‌شوند. این بررسی‌ها و تحلیل‌ها، مصائب فزاینده اجتماعی، فرهنگی و مشکلات اقتصادی را مسأله اصلی سده بیست و یکم می‌دانند.

بر این اساس، امروزه پدیده جهانی شدن و فضای مجازی، جنبش‌های سیاسی قومیت و بحران‌های فرهنگی و هویتی را در بین دو گروه قومیتی و هویتی کرد و ترک در استان آذربایجان غربی تقویت می‌کند. جهانی شدن نویدبخش کاهش منازعات قومی و محلی میان این گروه‌های قومی و هویتی کرد و ترک در استان آذربایجان غربی نخواهد بود؛ به طوری که نخواهد توانست با یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهان، هویت‌های محلی و قومی و خاص‌گرایی‌های ناشی از آن را از بین برده و یا حداقل تضعیف نماید. از



این رو یگانه راه پایدارسازی حیات اجتماعی و سازمانی در آینده، سازگار کردن اصول نهفته در نهاد مؤسسه‌های اجتماعی با اصول سازمانی است که طبیعت برای پایداری شبکه حیات ایجاد کرده است.

در برابر تبیین این سؤال که: چرا در بطن زندگی مدرن و با وجود کوچک شدن جهان در اثر ارتباطات و مباحث توسعه، چنین خاص‌گرایی‌ها و تنش‌هایی به وجود می‌آید؟ می‌توان چنین بیان کرد که: فرآیند جهانی شدن و مقاومت در برابر آن و فضای مجازی پدیدار شده، با توجه به جامعه‌شناسی توسعه، اشکال گوناگون خاص‌گرایی‌های فرهنگی، تنش‌های سیاسی قومیت و بحران‌های هویتی را تقویت می‌کند.

احساس هویت کردن از اساسی‌ترین نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. مکان، زمان و فضا مهم‌ترین عواملی بودند که می‌توانستند به‌طور سنتی این نیازهای هویتی انسان را تأمین بکنند، اما فرآیند جهانی شدن و فضای مجازی با دگرگون کردن شرایط و چارچوب سنتی هویت‌سازی، روند گسست مکان، زمان و فضا را شتاب بخشید و بدین ترتیب امر اجتماع را از دایره تنگ و محدود مکان‌رها کرده و در فضای بسیار فراخ گسترش داد و نوعی بحران هویت و معنا در جوامع مختلف جهان پدید آورد. افراد و اقشار گوناگون برای حل این بحران به روش‌ها و راهکارهایی متوسل می‌شوند که اشکال متعدد خاص‌گرایی‌های فرهنگی، تنش‌ها و ستیزه‌های هویتی و سیاسی قومیت، یکی از اشکال پر اهمیت چنین خاص‌گرایی‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر با توجه به این مسأله، برجسته‌تر کردن چارچوب مفهومی یکپارچه‌ای از رهگذر تفکر غیرخطی است و سعی داشته معیاری مبتکرانه برای حل عمده‌ترین و مهم‌ترین مشکلات عصر ما از جمله مبحث هویت فرهنگی، قومیت و ستیزه‌های سیاسی ناشی از آن، در فرآیند جهانی شدن و فضای مجازی عرضه بکند.

در نهایت، برای فائق آمدن و درک مسائل جهانی، تنش‌ها و بحران‌های به وجود آمده توسط ستیزه‌های هویتی، فرهنگی و سیاسی قومیت چنین مطرح می‌شود که: «باید اصول طراحی مؤسسات اجتماعی در آینده، همخوان و همساز با اصول سازمانی باشند که طبیعت برای پایدارسازی شبکه حیات فراهم آورده است».

## منابع و مآخذ

- احمدی، حمید. (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت. تهران: نشر نی
- استاونین، رودلفو. (۱۳۷۶). ستیزه‌های قومی و تأثیر آن بر جامعه بین‌المللی. ترجمه سید محمد میر سندسی، مجله سیاست دفاعی، ۵ و ۶ (۲۰ و ۲۱)، ۷-۳۲.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۵). خرده فرهنگ‌ها و وفاق اجتماعی. نقد و نظر، ۲ (۸ و ۷)، ۱۷۱-۱۵۷.
- برگر، پیتر. بریجت، برگر و هانسفرد کلن. (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان. محمد ساجدی، تهران: نشر نی
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی - نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی
- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ. محسن حکیمی، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر طرح نو.
- کاظمی، سید علی اصغر. (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر. تهران: نشر قومس.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران: نشر طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مردیها، سید مرتضی. (۱۳۷۷). فرهنگ جهانی در گفت و گو با داریوش شایگان. روزنامه جامعه، ۱ (۶۷)، ۲۷، ۶۸، ۲۸، ۵۰-۱
- مولانا، حمید. (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی. ترجمه یونس شکرخواه، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Guibernau, M. (1996). *Nationalisms*. Cambridge: Polity Press.
- Hall, s (1996). The Question of Cultural Identity in: Hall and McGraw (eds.). *Modernity and I's Fuure*, Cambridge: Polity.
- Jenkins, R. (1996). *Social Identity*. London: Routledge.
- Lash, S. and J. Urry. (1994). *Economics of Sings and Space*. London: SAGE.
- Morley, D. and Robins, K. (1996). *Spaces of Identity*. London: Routledge.
- Turkle, S. (1995). *Life on Screen: Identity in the Age of the Internet*. New York: Simon and Schuster.